

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال سیزدهم، شمارهٔ چهل و نهم، بهار ۱۴۰۰

رویکردهای نوین تعلیم و تربیت در شعر شاعر مشروطه، میرزا قهرمان پاک‌بین ملایری

دکتر رسول حیدری* - سمانه امیری**

چکیده

شعر دورهٔ مشروطه از حیث نگاهی نو به مبانی تعلیم و تربیت، جایگاهی ویژه دارد. یکی از شاعران سخنور و اندیشه‌ورز این دوره که نام او کمتر برده شده و قدر او کمتر شناخته شده، میرزا قهرمان پاک‌بین ملایری است که اولین بار توسط ادیب شهیر، وحید دستگردی به جامعهٔ ادبی معرفی شد. میرجلال‌الدین کزازی در مقدمه‌ای بر دیوان اشعارش، او را «یکی از چند قهرمان سخن پارسی در اوان مشروطیت» دانسته و روانی و پختگی اشعارش را به سروده‌های ایرج میرزا و بهار مانند کرده است. در این پژوهش به روشی توصیفی تحلیلی، مهم‌ترین موضوعات تربیتی مرتبط با مسائل عصر مشروطه که در اشعار قهرمان نمود یافته، بررسی و تحلیل شده است. توصیه به فراگیری دانش جدید، لزوم کاربست دین برای مهار مدنیت، توجه به حقوق رنجبران، توجه به تعلیم و تربیت زنان و مسائلی از این دست، از موضوعات تربیتی مهم در شعر قهرمان است. تحلیل آماری اشعار تعلیمی قهرمان نشان می‌دهد که در بین تعالیم مشروطه، دو موضوع «توصیه به فراگیری دانش جدید» و «دعوت به کار و نکوهش کاهلی» بیشترین بسامد را دارند.

heydari.ra@lu.ac.ir

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان (نویسنده مسؤل)

samanehamiri70@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

تاریخ پذیرش ۹۹/۱۱/۳۰

تاریخ وصول ۹۹/۸/۲۳

همچنین در یک برآورد کلی، آموزه‌های نوین برخاسته از فضای فکری مشروطه، به‌طور تقریبی ۶۵ درصد اشعار تعلیمی قهرمان را شامل می‌شود. بر این اساس، اندیشه قهرمان در مسائل مرتبط با تعلیم و تربیت، اندیشه‌ای پیشرو، هوشمند و مطالبه‌گر است.

واژه‌های کلیدی

تعلیم، تربیت، شعر مشروطه، شعر تعلیمی، میرزا قهرمان ملایری.

۱. مقدمه

با نگاهی به آثار تعلیمی قرون گذشته می‌توان متوجه شد که این آثار، اغلب اشتراک موضوع دارند و بسیاری از موضوعات، طی قرون در آثار مختلف تکرار شده است. ادبیات تعلیمی این دوره تحت‌تأثیر شرایط، قابلیت‌ها و باورهای دنیای پیشامدرن، طی سالیان طولانی تحت سیطره دین و اخلاق است؛ در واقع «ادبیاتی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند» (مشرف، ۱۳۸۹: ۹). این اخلاق نیز اغلب اخلاق دینی و برخاسته از فرهنگ دینی رایج در جامعه ایرانی است، به‌طوری که عدول از هنجارهای این نظام اخلاقی، طرد و انکار جامعه را به همراه دارد. به تعبیری دیگر، «یکی از ارکان استواری، ماندگاری و جاودانگی یک اثر در مشرق‌زمین همواره تأکید بر اصول و آموزه‌های اخلاقی است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۴). آثاری چون *بوستان*، *گلستان*، *مثنوی معنوی* و *نظایر آن* از این دسته‌اند. در آثاری نیز که به‌عنوان آثار عرفانی از آن‌ها یاد می‌شود، هسته اولیه و هدف اصلی این تألیفات، پرورش اخلاق انسانی و متحلی شدن به اخلاق الهی است. به‌طور کلی، ادبیات سنتی بر این عقیده بود که «جامعه در هر شکل و هر نظمی که باشد، مهم این است که فرد به اخلاق نیکو آراسته گردد» (مختاری ۱۳۷۸: ۱۲۸). بخشی از این کتب نیز نصیحت‌نامه‌ها و مجموعه‌های پندآمیزی هستند که بیشتر بر اصلاح اخلاق فردی تأکید دارد و در آن‌ها دعوت به خیزش جمعی و اتحاد جامعه انسانی، کمتر دیده می‌شود. خواست نویسندگان این آثار نیز در محدوده رفع نیازهای دینی و اخلاقی جامعه است،

اما «با شروع تجدد سیاسی و حملاتی که متجددان و نوگرایان بر نظام داشتند، سنت اندرزنانه نویسی کهن مورد نقد قرار گرفت» (رحمانیان، ۱۳۸۹: ۲).

اساساً دوره قاجار نقطه آغاز جدال سنت و تجدد است؛ دوره‌ای که نظام تعلیم و تربیت نیز دستخوش تغییر شد. این تبدیل و تغییر به‌ویژه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه که «بجوبه اختلاط رسوم و عادات مشرق‌زمین و مغرب‌زمین بود» (هدایت، ۱۳۷۵: ۹۶) پررنگ‌تر است، هم‌زمانی دولت قاجار با دستاوردهای نوین غرب در حوزه فرهنگ و هنر و سیاست و فناوری، زمینه تغییر در تفکر ایرانیان را رقم زد. ارتباط با کشورهای غربی و آشنایی با تغییرات و تحولات علمی، فرستادن گروه‌هایی از ایرانیان به خارج از کشور برای فراگیری دانش روز، رواج و گسترش روزنامه‌نگاری، رواج صنعت چاپ، ترجمه و انتشار بسیاری از کتاب‌های فرنگی و عواملی از این دست، سهم بسزایی در بیداری جامعه ایران داشت. مجموعه این عوامل رفته‌رفته زمینه را برای نهضت مشروطیت فراهم کرد. «نفی کهنه‌ها و پذیرش تازه‌ها که از غرب سرچشمه می‌گرفت، شیفتگی نسبت به فرهنگ اروپا را برای روشنفکران پیشرو ایران به همراه آورد. برای نیل به این پیشرفت همه چیز با معیارهای غربی سنجیده می‌شد» (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۵). با ملموس‌تر شدن عقب‌ماندگی جامعه در عرصه‌های علمی و فرهنگی، تعلیم و تربیت، آن‌هم به سبک نو و مدرن، سنگ بنای تمام تغییرات و تحولات قرار گرفت. در این دوره، با تأسیس دارالفنون و در سال‌های بعد با ایجاد مدارس، نظام تعلیم و تربیت از شکل سنتی مکتب‌خانه‌ای خارج شد و هویت جدیدی کسب کرد. برخلاف جامعه مردسالار پیشین، خواندن و نوشتن همگانی شد؛ زنان که تا پیش از این سهم چندانی از آموزش نداشتند، از تعلیم و تربیت بهره‌مند شدند و به تدریج جایگاه واقعی خود را در اجتماع یافتند.

ادب تعلیمی این دوره، دو تفاوت اساسی با ادب تعلیمی کهن دارد: اولاً در دوره مشروطه و سال‌های بعد از آن، با اشکال متنوع و جدیدی از موضوعات ادب تعلیمی مواجهیم؛ موضوعاتی که در دوره‌های پیشین کمتر از آن می‌توان سراغ گرفت؛ قانون‌گرایی، تأکید بر حقوق زنان و از آن میان توجه به تعلیم آنان، توجه به طبقه رنجبر و... از مهم‌ترین مطالبه‌های این دوره است. موضوعات اخلاقی این دوره نیز با تأثیرپذیری از فرهنگ غربی، تفاوت

محسوسی با اخلاق توصیه شده در ادب سنتی و کهن دارد و حتی گاه در تعارض با آن است. در ثانی، فضای حاکم بر ادبیات تعلیمی کهن، فضایی است راکد و ساکت با منطقی یکسویه و اغلب نصیحتگر، اما از این سو، ادبیات تعلیمی دوره مشروطه، ادبیاتی است انگیزشی، مطالبه گر، سازش ناپذیر، طغیانگر و آگاه.

از بین شعرای عصر مشروطه و دوره رضاخانی، میرزا قهرمان خان پاک‌بین ملایری شاعری است که با وجود شهرت کم، اشعار او از جنبه ساختار و محتوا مورد تحسین بسیاری از منتقدان واقع شده است. شاعری که در عین انزوا، با آگاهی از ضروریات روزگار خود، بر موضوعات مختلف تعلیمی و تربیتی انگشت نهاده و با ادبیاتی انتقادی، لزوم بازبینی در بسیاری از مقولات تربیتی را یادآور شده است.

پژوهش حاضر را می‌توان از دو جنبه حائز اهمیت دانست؛ نخست اینکه بررسی و تحلیل موضوعات مرتبط با ادب تعلیمی در دوره مشروطه و رضاخانی، در کنار تحقیقات فراوانی که در آثار ادبی سده‌های پیش از آن انجام شده، می‌تواند مسیر حرکت ادبیات تعلیمی و تغییرات عمده‌ای را که در این دوره رخ داده است، با وضوح بیشتری ترسیم کند. از سویی دیگر، مطالعه در اندیشه‌های تربیتی و تعلیمی شاعری نو و البته توانمند، پژوهشی است تازه و گامی است در جهت معرفی او به جامعه ادبی.

۱-۱. روش و اهداف پژوهش

روش این تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و مبتنی بر شواهد شعری کلیات اشعار شاعر است. برای پرهیز از تفصیل و اطناب، بعد از نقل ابیات متناسب با هر بخش، مابقی نمونه‌های شعری، در پی نوشت ارجاع داده شده است. در این پژوهش، علاوه بر توصیف و تحلیل کیفی محتوای اشعار و بررسی آن‌ها، در تحلیلی کمی، بسامد موضوعات تعلیمی و تربیتی قهرمان که از سنخ موضوعات تعلیمی دوره مشروطه است، در قالب جدول و نمودار ارائه می‌شود. واحد تحلیل کمی در این پژوهش، «بیت» است؛ به این صورت که هر بیتی که حاوی موضوعی تعلیمی- تربیتی (از سنخ موضوعات نو در دوره مشروطه) است، یک واحد تحلیل لحاظ شده است. موضوعات متنوع تعلیمی و تربیتی رایجی که در ادبیات پیش از مشروطه وجود داشته و در این دوره نیز در اشعار قهرمان مطرح شده،

به صورت فهرست‌وار آمده است. هدف از این پژوهش، طبقه‌بندی و تحلیل مهم‌ترین موضوعات ادبیات تعلیمی در اشعار میرزا قهرمان پاک‌بین و شناسایی اندیشه‌های تربیتی او، با در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی سیاسی عصر مشروطه است. برای رسیدن به نتیجه‌ای روشن‌تر، دستاورد تحقیق به صورت آماری تحلیل می‌شود.

۲-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به تازگی موضوع، پژوهش مستقلی که به ادب تعلیمی در اشعار میرزا قهرمان پرداخته باشد، یافت نشد. برخی موضوعات مرتبط عبارت‌اند از:

- حیدری و امیری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «معرفی و تحلیل آراء اجتماعی-سیاسی شاعر گمنام مشروطه، میرزا قهرمان پاک‌بین ملایری»، سوگیری‌های سیاسی شاعر و تحلیل‌های او را درباره موضوعاتی چون مشروطه، جنگ جهانی، غرب‌زدگی و... بررسی کرده‌اند. این مقاله با تأکید بر آراء اجتماعی-سیاسی و بدون تمرکز بر بحث تعلیم و تربیت انجام شده و به اشعار تربیتی شاعر نپرداخته است.

- مصفا و سعادت (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل بسامدی علم و دانش در شعر شعرای برجسته دوره مشروطه» با بررسی اشعار ادیب الممالک فراهانی، فرخی یزدی، میرزاده عشقی، عارف قزوینی و ایرج میرزا، میزان توجه آن‌ها را به دانش‌اندوزی بررسی کرده‌اند. نتیجه پژوهش نشان داده است که موضوع دانش در دیوان ادیب‌بیشترین بسامد را دارد و تأکید شاعران دیگر بر لزوم آموزش علوم مغرب‌زمین است.

- حسینی کازرونی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی اندیشه‌های اخلاقی در شعر اجتماعی مشروطیت» در تحلیلی کلی و مختصر، مهم‌ترین آموزه‌های تعلیمی این دوره را در چهار مؤلفه شکوه از روزگار، ستیزه‌گری با جهل، وطن‌پرستی و آزاداندیشی تعریف کرده است.

۲. زندگی و محیط فکری میرزا قهرمان پاک‌بین ملایری

میرزا قهرمان پاک‌بین ملایری، متخلص به «قهرمان»، از شاعران خوش طبع اواخر دوره قاجار و اوایل حکومت پهلوی است که گاه در اشعارش، «قهری» نیز تخلص می‌کند. وی در سال ۱۲۵۸ش در روستای آورزمان ملایر، واقع در استان همدان به دنیا آمد. قهرمان

در سن چهارده سالگی به دلیل مشکلات اقتصادی و به درخواست پدرش، درس و مکتب را رها کرد. از آن پس مدرسه‌اش، کتاب و معلمش، اندیشه و تفکر بزرگان علم و ادب شد. بر اساس شرح حالی که به مجله *ارمغان* ارسال کرده است، «به مقتضای ذهن سرشار و قریحه خداداد و استعداد فطرت، از هر گوشه توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته...» (وحید دستگردی، ۱۳۱۶: ۶۶۵). وی مدتی در خدمت خان منطقه به کار منشیگری و میرزایی پرداخت و به واسطه رفت‌وآمد اعیان و بزرگان، بینش سیاسی و اجتماعی او شکل گرفت. مطالعه دیوان شاعران پیشین طبع شعری قهرمان را شکوفاتر ساخت؛ به طوری که شعر او از نظر سبک و زبان و محتوا، استوار و گیراست. وحید دستگردی، شاعر، مصحح و ادب‌پژوه شهیر در سفری که در سال ۱۳۰۶ به ملایر داشته، با قهرمان ملاقات کرده است که شرح این دیدار در شماره اول مجله *ارمغان* آمده است: «در مسافرت همدان و ملایر ما همواره در جستجوی شعرای گمنام و دانشمند بودیم و یکی از شعرا که گنج‌مانند در قریه آوزمان ملایر به دست آوردیم، جناب مستطاب میرزا قهرمان خان است. میرزا قهرمان خان دارای ذوق سرشار و قریحه تابناک و استعداد ذاتی است و اگر روزگار این مرد را با این طبع و ذوق، از علوم و فنون و شعر و ادب و آنچه لازمه یک شاعر بزرگ است بهره‌مند ساخته و وسایل تحصیل او را برایش فراهم کرده بود، در صف اول شعرای قرن اخیر جای داشت» (همو، ۱۳۰۷: ۷۰ نقل در پاک بین، ۱۳۸۴: ۳۷۱). ابراهیم صفایی نیز از پژوهشگران دوره مشروطه در شرح این ملاقات چنین می‌گوید: «وقتی قهرمان شعرش را خواند و اثر خود را که در آن از فلسفه تنازع بقا سخن رفته بود بر استاد عرضه کرد، وحید از او در شگفت ماند و از او تجلیل کرد و او را با "دهقان سامانی" برابر دانست و از آن پس سال‌ها آثار قهرمان زینت‌بخش مجله *ارمغان* می‌بود» (صفایی، ۱۳۵۸: ۱۰۳). میرزا قهرمان در سال ۱۳۲۶ ش در ۶۸ سالگی چشم از جهان فرو بست و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.

دیوان اشعار قهرمان، مجموعه ارزشمندی است از مسائل سیاسی، اجتماعی. قهرمان در دوره حیات خود، حوادث سیاسی زیادی را شاهد بوده و همین امر دست‌مایه‌ای برای سرودن اشعار مختلفی شده است؛ واقعه تنباکو، انقلاب مشروطه، جنگ جهانی اول،

سقوط قاجار، سقوط رضا شاه و جنگ جهانی دوم، از مهم‌ترین رخدادهای روزگار اوست. برای او که در خانواده‌ای دهقان‌زاده به دنیا آمده و از آغاز کودکی با فقر و اختلافات طبقاتی آشنایی دارد، رسالت شاعری فراتر از مداحی و عاشقانه‌سرایی است. از این رو می‌کوشد با نگاهی به اوضاع اجتماعی سیاسی، به‌خصوص پیشرفت ملل دیگر، شعر و از آن میان نوع غزل را از قیدوبند مضامین کلیشه‌ای کهن رها کند:

دیگر مخوان حدیث گل و مُل را بگذار صحبت گل و بلبل را
این حرف‌ها نتیجه نمی‌بخشد گر وا کنیم چشم تعقل را
هر لحظه روزگار به یک رنگ است باید پذیره گشت تحول را
(پاک‌بین، ۱۳۸۴: ۶۵)

قهرمان در زمره شاعرانی است که در زبان و ساختار شعری، سنتی‌گو، اما در فکر و اندیشه نوگراست و اندیشه‌های روشن‌گرانه خود را در قالب غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، رباعی، مخمس، ترکیب‌بند، رباعی و دوبیتی عرضه کرده است. یکی از مشخصه‌های اشعار قهرمان این است که بخش عمده شعر او به تعالیم روشن‌گرانه اختصاص دارد و حتی غزل‌های او به نسبت بسیار بالایی، اندیشه نوگرایانه اجتماعی را بر عاشقانه‌گویی ترجیح داده است. «اگر فرخی یزدی را شروع‌کننده غزل‌های اجتماعی در ایران بدانیم، باید اعتراف کنیم که راه فرخی در کلیات قهرمان پی گرفته شده است» (نصرتی، ۱۳۸۰: ۷). بدین سبب اشعار او به سروده‌های عارف قزوینی و فرخی شباهت دارد. میرجلال‌الدین کزازی در تمجید شعر او، سروده‌هایش را هم‌ردیف اشعار ایرج میرزا و ملک‌الشعراى بهار دانسته است: «سروده‌های او با آنکه به زبانی روشن و روان سروده شده‌اند، که گاه بسیار به زبان گفتاری نزدیک می‌شود و حتی واژه‌هایی از آن را نیز به وام می‌گیرد، هرگز آنچنان فرو نمی‌افتند و از سختگی و ستواری زبان ادب نمی‌گسلند که به "عامیانگی" دچار آیند. سروده‌های قهرمان در روانی و گفتارینگی، با سروده‌های ایرج میرزا پهلو می‌زنند و از دیگر سوی، در پختگی و پیراستگی، سروده‌های ملک‌الشعراى بهار را فرا یاد می‌آورند» (پاک‌بین، ۱۳۸۴: مقدمه).

کلیات اشعار میرزا قهرمان پاک‌بین ملایری یک بار توسط فرزندش هوشنگ پاک‌بین

منتشر شده و دوباره در سال ۱۳۸۴، به همت محمدحسین فروغی با افزودن توضیحاتی درباره شعر و اندیشه او، تصحیح و چاپ شده است. میرجلال‌الدین کزازی در تأیید و تمجید شأن ادبی قهرمان، مقدمه‌ای بر تصحیح اخیر نگاشته است.

۳. بحث

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت در شعر قهرمان را در دو بخش جداگانه بررسی کرد: بخش اول، موضوعاتی که در سنت ادبی پیش از او تکرار شده و غالباً از جنس آموزه‌های دینی و اخلاقی است. مواردی چون توصیه به نیکی، پرهیز از مردم‌آزاری، اعتقاد به ناپایداری دنیا، داشتن عزت نفس، پرهیز از همنشینی انسان‌های دون‌همت و موضوعاتی از این قبیل.

بخش دوم: موضوعاتی که در دوره بیداری و مشروطه و متناسب با شرایط آن روزگار بروز و ظهور کرده است. در پژوهش حاضر، این بخش از آموزه‌های تربیتی شعر قهرمان از آن رو که حاوی اندیشه‌های نو و روشنفکرانه است و مطالعه آن می‌تواند در شناخت بهتر نظام فکری شاعر کمک کند و کاستی‌ها و رخنه‌های تربیتی زمانه شاعر را آشکار کند، بررسی می‌شود. اصلی‌ترین آموزه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت در شعر قهرمان از این قرار است:

۳-۱. توصیه به فراگیری دانش جدید

در آموزه‌های اسلامی و احادیث پیامبر^(ص) و ائمه^(ع)، همچنین در ادب کلاسیک، بارها به فراگیری علم و دانش سفارش شده است، اما با آغاز گرایش‌های تجددخواهی و نوجویی، میل به صعود به قله‌های ترقی و رسیدن به سطح پیشرفت‌های جوامع غربی، بیش از هر زمانی احساس می‌شد. این بار ترویج علم و دانش به شکل جامع‌تری، منطبق با دانش روز اروپا مورد توجه قرار گرفت و از آن به‌عنوان راهی برای رهایی از عقب‌ماندگی و رسیدن به رشد و تعالی کشور یاد شد، به طوری که در اشعار بسیاری از شاعران این عصر، ترغیب به علم و دانش یکی از موضوعات مهم ادبیات تعلیمی مشروطه محسوب می‌شود.

این موضوع با بسامدی چشمگیر، اصلی‌ترین موضوع در اشعار قهرمان است. وی علم و دانش را نخستین گام برای قدرتمند شدن کشور می‌داند و به حقیقت، راه رسیدن به سعادت و درمان دردها را در دانش می‌بیند. او از این طریق به بیداری دعوت می‌کند و یقین دارد که فقط در سایه علم و دانش اصلاح وطن میسر می‌شود:

چو خواهیم قومی توانا شویم توانا شویم ار که دانا شویم
در این ره نخستین قدم دانش است در این شیوه بایست کوشا شویم
توانیم شد در جهان سربلند اگر در ره علم پویا شویم
(پاک بین، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

او برخلاف شاعران گذشته که ریشه تمام نابسامانی‌ها را به تقدیر و سرنوشت آسمانی نسبت می‌دادند، عامل تمام بدبختی‌ها را در جهل و بی‌دانشی می‌بیند نه تقدیر و گردش روزگار:

بشر را شرافت به علم است و دانش که دانش بود دولت آسمانی
به جز از ره علم ممکن نگیرد ترقی در این کشور باستانی
مراناله پیوسته از جهل باشد نه از گردش اختر و دهر فانی
(همان: ۱۶۶)

از نظر قهرمان، علم اقتدارآفرین است و برای رهایی از هر نوع ذلت و خواری باید به اقتدار علمی رسید؛ زیرا عقب‌ماندگی علمی زمینه‌ساز هر نوع وابستگی و تحقیر است:

عالم قدم به فرش مذلت نمی‌دهد جز ننگ و عار سود به جاهل نمی‌رسد
امروزه اقتدار به علم است و تربیت غیر از هوان به ملت غافل نمی‌رسد
(همان: ۷۷)

موضوع یکی از قصاید قهرمان، با عنوان «غفلت ننماییم ز آموختن علم» به‌طور اختصاصی درباره حرمت و اعتبار دانش است.^۱

۳-۲. تأکید بر نوگرایی و نواندیشی

آشنایی جامعه ایرانی را با تمدن توسعه‌یافته غربی در دوره قاجار، می‌توان نقطه آغاز تقابل و رویارویی سنت و تجدد دانست. جدال میان این دو جریان، بسیاری از اندیشمندان را به

تفکر و تعمق واداشت. عده‌ای از آنان تنها راه گریز از وضع موجود را در پذیرش بدون کم‌وکاست تمدن غرب دیدند؛ آنان بر این باور بودند که بدون الگوبرداری و تقلید صرف از غرب نمی‌توان مراحل توسعه را پیمود. عده‌ای دیگر نیز همچنان پایبند به سنت‌ها بودند. قهرمان ضمن باورمندی به میراث اسلام و ایران باستان و حفظ سنت‌های نیکو، پیشرفت کشور و رسیدن به جامعه آرمانی را در پرتو فرهنگ نوین می‌داند:

گر وطن غبطه فردوس برین خواهد شد همه در پرتو افکار نوین خواهد شد
تا که با کهنه پرستی سر و سودا داریم کار این ملک پریشان‌تر از این خواهد شد
(همان: ۸۷)

و در جایی دیگر نیز تجدد را به مثابه روح می‌داند که باید در کالبد فسرده جامعه دمیده شود و او را دوباره احیا کند:

عاطفه روح تجدد کجاست؟ تا به وطن کار مسیحا کند
(همان: ۱۸۶)

توجه به صنعت غرب در شعر دوره مشروطیت نمود چشمگیری دارد؛ به‌طوری که «یکی از خصوصیات مشترک این دوره، توجه به پدیده‌های زندگی جدید از قبیل هواپیما و اختراعات تازه است و شاعران با الهام از این دوره می‌کوشند معانی تازه‌ای ابداع کنند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۲۸). این اقبال را در شعر بهار و میرزاده عشقی و برخی شاعران دیگر می‌توان دید. میرزاده عشقی در سروده‌ای، عقب‌ماندگی جامعه ایرانی را در دانش و صنعت هوایی این‌گونه گوشزد می‌کند:

در قرن بیستم بشود آدمی سوار بر آهنی پرنده دل آکنده از بخار
وانگه رهی که ما به دو سالش کنیم طی او در هوا دو روزه از آن را کند گذار
(عشقی، ۱۳۵۷: ۴۰۵)

قهرمان نیز در قطعه «حرف امروز غیر دیروز است» در قالب حکایتی، پدیده‌های جدید زندگی را از قبیل ماشین، هواپیما و... مد نظر قرار داده و خواستار تبدل و نو شدن است و معتقد است جا ماندن از کاروان علم و فناوری جدید مایه عقب‌ماندگی ماست. از این رو سبک زندگی سنتی را پوچ و بی‌معنی می‌داند:

پسری گفت پیر دهقان را
حرف امروز غیر دیروز است
کی تواند گذشتن این خر لنگ
هرچه مانده ز «عهد دقیانوس»
علم آباد کرده دنیا را
که: «پدرا! این طریقه جان فرساست
کار فردا سوای پس فرداست
به فضایی که آسمان پیماست
لفظ پوچ است و حرف بی معناست
مگر این ملک خارج از دنیاست؟»
(پاک بین، ۱۳۸۴: ۲۸۹-۲۹۰)

یا:

این ذلت و افتضاح و خواری تا کی؟
مردم همه در هوا مسافر گشتند
با ظلم زمانه بردباری تا کی؟
ما را غم ننگ خر سواری تا کی؟
(همان: ۳۵۹)

یکی از بحران‌های عصر تجدد در ایران، مسئله از خودپییگانگی فرهنگی بود که به‌خصوص در دوره «اتحاد البسه» یا ماجرای «کشف حجاب» بروز یافت و با اصطلاحات معمول آن زمان مثل «فکل کروات» مطرح می‌شد. این موضوع در شعر قهرمان نیز نمود یافته است. او با اینکه خواهان تجدد و نوگرایی است و سعی دارد که مردم را به یادگیری علوم و فنون جدید ترغیب کند، هیچ‌گاه سر تا پا غربی شدن را نمی‌پسندد:

مو چیدن ار به «لندن» و «پاریس» گشته مد
آن‌ها به عکس مردم این ملک، سال‌هاست
پاریسیان، تمدن زیبای خویش را
مردان ما هنوز ز بیکاری و لشی
زن‌های این دیار هنوز از محیط جهل
مطلعتان کشور ما بد شنیده‌اند
در مهد علم و فضل و هنر آرمیده‌اند
با نقد جان و قیمت دانش خریده‌اند
در خوابگاه مرگ و فنا والمیده‌اند
بیرون نهشته پایبی، گیسو بریده‌اند
(همان: ۹۳)

شعر قهرمان نشان می‌دهد که او در بحث نوگرایی، نه راه تجددطلبان تندرو را در پیش گرفته و نه خود را در زندان سنت‌ها محبوس کرده است. تجدد در نظر او بیشتر اخذ نقاط مثبت فرهنگ غرب و تکنولوژی مغرب‌زمین است.

۳-۳. نکوهش مدح و عاشقانه‌سرایی

این موضوع یکی از نقاط روشن اندیشه تربیتی میرزا قهرمان است؛ او با آگاهی از تغییر شرایط زمانه و نیازهای جامعه در مسائل اجتماعی و سیاسی، به‌خصوص قانون‌گرایی و رفع مشکلات اقتصادی، رسالت شاعر را در حیطة دیگری تعریف می‌کند. به‌طور کلی، آگاهی از رسالت شاعر و به‌تبع آن، رویگردانی از ستایش صاحبان قدرت از مختصات فکری شعر مشروطه است. در این دوره، برخلاف سنت رایج مداحی که در قرون پیشین و حتی در دوره اول قاجار وجود داشت، «مدح، داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی» (وزین پور، ۱۳۷۴: ۳۹) قلمداد می‌شود. سه عامل «خواست و آرمان جامعه»، «اقتضای زمان» و «بیداری شاعران» را از دلایل ظهور این رویکرد می‌توان به حساب آورد (همان: ۵۰۱). علاوه بر مداحی، عاشقانه‌گویی نیز محدود شد یا اینکه تغزل مانند تغزل‌های فرخی یزدی و عارف به خدمت معانی اجتماعی سیاسی درآمد. «در واقع نهضت انقلابی مشروطه بود که از شاعران خراباتی و غزل‌پرداز و مدیحه‌سرا، شاعران ملی و اجتماعی به وجود آورد» (ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۵۰). قهرمان به‌عنوان شاعری روشنفکر، هم در عمل جانب مداحی و عاشقانه‌سرایی صرف را فرو گذاشته و شعرش را به رنج‌های جامعه اختصاص داده، هم در چند نمونه شعر، مدح و به‌خصوص عاشقانه‌سرایی را مشخصاً نکوهیده و معتقد است رسالت شاعر بیان دردهای جامعه است نه تقلید چشم‌بسته از سنت ادبی عاشقانه‌سرایی قدیم:

قبیح است بهر گدا دم زدن ز سیم سُرین یا ز سبب ذقن
گرفتم که چشمش غزالی است مست تو را صید وحشی نیاید به دست
چو غرّش کند توپ دشمن شکار کمان‌های ابرو نیابد به کار
(پاک بین، ۱۳۸۴: ۲۸۰)

در غزل دیگری نیز شاعران را که شعرهایی با مضامین کهنه و عاشقانه می‌سرایند و نسبت به مشکلات مردم و جامعه بی‌اعتنا هستند، نکوهش می‌کند و معتقد است شاعر باید فرزند زمان خود باشد:

غرش توپ اروپا به جهان آتش زد
شرح و بسط می و معشوق سخندانی نیست
بازگویی که شرر قسمت پروانه بود
حرف باید که پر از مغز و حکیمانه بود
آشنای خرد از این همه بیگانه بود
(همان: ۱۰۱)^۲

۴-۳. صلح طلبی و نفرت از جنگ

در عصر مشروطه هم‌زمان با ظهور پیشرفت‌های علمی و صنعتی و ساخت سلاح‌های پیشرفته جنگی، غریزه قدرت‌طلبی و برتری‌جویی بعضی جوامع بیش از پیش آشکار شد. همین امر مهم‌ترین انگیزه شروع جنگ جهانی اول و دوم را فراهم کرد. در شعر قهرمان، بازتاب موضوع جنگ نمود ویژه‌ای دارد؛ زیرا قهرمان در زمان حیات خود بارها طعم ناگوار جنگ‌های مصیبت‌بار را چشیده است. اشعار او اشارات فراوانی به جنگ و به خصوص جنگ جهانی دارد. او در غالب این اشعار در پی تعلیم صلح‌دوستی و توجه به مقام انسانی است. او هر دو جنگ بزرگ را تجربه کرده است و درباره محیط زندگی و زمانه خود اطلاعات ارزشمند و تحلیل‌های قابل توجهی از مناسبات دول متخاصم دارد. اما دغدغه اصلی او پایان جنگ است:

بیا که دیو مهیب نفاق و جنگ و جدل
بیا که باز دل مادران بی‌فرزند
دوباره در همه جا مالک الرقاب شده
ز داغ مرگ جوانان خود کباب شده
به اخذ رتبه و ترفیع کامیاب شده
هزار نفس به خون خفته تا که سرداری
(پاک بین، ۱۳۸۴: ۱۵۶)

یا:

ای کاش! که حرف صلح آید به میان
آلات هلاک نوع انسانی را
آسوده شوند از جدل، خلق جهان
گیرند و کنند در مفاکی پنهان
(همان: ۳۵۷)^۳

۳-۵. قدرت‌گرایی

قدرت و نقش آن در معادلات اجتماعی سیاسی و به‌نحو عام‌تر در حیات بشر انکارناپذیر است؛ از آراء مشهور در این باره، دیدگاه فردریش نیچه است با عنوان «اراده معطوف به قدرت» که یکی از مهم‌ترین مباحث تاریخ فلسفه جدید به شمار می‌رود.

«نیچه، کشش به سوی توانایی و قدرت را محور حیات انسان و آثار او می‌داند. حتی منطلق و عقل را خادم این کشش می‌داند» (نیچه، ۱۳۷۷: ۳۴). این عقیده البته چندان تازه نیست و در فرهنگ و فلسفه ملل مختلف و از آن میان در ادبیات فارسی مطرح شده است. در دوره مشروطه نیز کمابیش به اهمیت قدرت در سپهر سیاسی اشاره شده است:

مقتدر شو تا ز صاحب‌قدرتان ایمن شوی شیر آفریقا هم‌اورد پلنگ بربر است
(بهار، ۱۳۸۲: ۵۵۱)

یا:

بی زر و زور کجای ما را ثمر است در محیطی که ثمر بر اثر زور و زر است
(فرخی یزدی، ۱۳۶۳: ۱۰۱)

قدرت‌گرایی یکی از خاص‌ترین و در عین حال پرکاربردترین آراء میرزا قهرمان است. در آثار نثر او برخی از این اندیشه‌ها را می‌توان دید. از آن جمله در بخش حکمت‌ها، در مبحثی با عنوان بقای انساب - که ایرج میرزا نیز قطعه‌ای با همین نام و موضوع دارد (ایرج میرزا، ۱۳۵۶: ۱۷۳) - معتقد است: «یکی از علل بزرگ کشمکش و جنگ، قانون بقای انساب است که از نوامیس طبیعت است و بی‌وجود این ناموس، عمده عالم راه انحطاط می‌پیمود» (پاک بین، ۱۳۸۴: ۳۶۵). از این‌رو قانون تنازع بقا ایجاب می‌کند هر موجودی بنا به قدرت و نیرویی که دارد، برای حفظ حیات، دائماً با موجودات دیگر در حال جنگ و جدال باشد و از این طریق مسیر تکامل و ارتقا را بی‌ماید:

طبیعت این چنین گوید که: «ماهی
پلنگی گوسفندی را اگر کشت به دریا از پی قوت نهنگ است»
نباشد گر جدل در کار تکوین به روز داوری حق با پلنگ است
گُمیت ارتقا را، پای لنگ است
(همان: ۳۴)

با این استدلال او معتقد است جوامع نیز از این اصل مستثنا نیستند؛ جوامع نیز در مسیر نشو و ارتقا، برای حفظ منافع مالی - اقتصادی دائماً در حال جنگ و نزاع با یکدیگرند. در این جدال و کشمکش، جامعه‌ای که از حیث منابع اقتصادی، اجتماعی و نیروی انسانی غنی‌تر باشد، حق سیادت و سروری دارد:

حیات ما، همه مرهون زور است تن بی زور، جایش قعر گور است
به هر جا بگذرد پیل قوی چنگ کسی پامال می گردد که مور است
اصولاً زندگی را زور باید که گیتی جایگاه شرّ و شور است
(همان: ۲۹)

بر این اساس، تلاش برای کسب قدرت از تعالیم مهم قهرمان در دوره مشروطه است؛ دوره‌ای که ضعف و زبونی در برابر دخالت بیگانگان و کاهلی جامعه، از مسائل اصلی ایران آن دوره است.^۴

۳-۶. بیزاری از بی‌اخلاقی‌های مدنیت

عبور از جامعه سنتی و آغاز مدنیت با وجود تأثیر انکارناپذیری که در سوق جامعه به سوی رشد و بالندگی داشت، آرام آرام زمینه سقوط اخلاق انسانی و محو بسیاری از ارزش‌های معنوی را فراهم کرد. از این رو عصر تمدن با تمام محاسنی که دارد، گاه نیز منفور بعضی از اندیشمندان به ویژه شاعران این عصر واقع شده است. در این دوره، «اغلب شاعران تمدن فرنگی را محکوم می‌کنند با اینکه در جهت دیگر مردم را به سوی آن دعوت می‌کردند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۲۸). قهرمان هم با چنین نگرشی، به جلوه‌های تمدن نگرسته است؛ از نظر او مدنیت در قبال رفاه و آسایش و امکانات مادی که برای انسان‌های عصر به ارمغان آورده، از آن‌ها موجوداتی سرکش و طغیانگر ساخته و عرصه را برای زندگی مسالمت‌آمیز انسان‌ها به خصوص طبقه رنجبر تنگ کرده است:
ز حد برون بشر از بس که برده خیره‌سری را

برای خویش مسلّم نموده بی‌پدري را

جهان، خراب چنان زین تمدن است که باید

درودها بفرستیم دوره حجری را

تظاهرات تمدن برای توده دهقان

نموده است فراهم بلای دربه‌دري را

(پاک بین، ۱۳۸۴: ۱۰)

یا:

ورد زبانمان ز تمدن بود ولی از وحشیان مرکز آفریک بدتریم
(همان: ۱۴۲)

قهرمان در یکی از غزل‌های خود که به مناسبت جنگ جهانی دوم سروده است، از تمدنی که به کشتار و نابودی بشر می‌اندیشد بیزاری می‌جوید. او از اینکه محبت و نوع‌دوستی از میان انسان‌ها رخت بر بسته و اینچنین کمر به کین یکدیگر بسته‌اند، به شدت متأثر است:

باز از خون بشر روی زمین رنگین است نام زیبای تمدن همه‌جا ننگین است
اشرفیت اگر آدم‌کشی و سفاکی ست الحق این جنس دو پا درخور صد نفرین است
(همان: ۴۴)

۳-۱- کارکرد تعالیم دین در مهار آسیب مدنیت

در عصر بیداری و مشروطه، میل به فرهنگ و فناوری غرب، از مشخصه‌های فکری شاعران تجددطلب بود، اما غرب‌گرایی فقط در ظواهر بیرونی آن خلاصه نمی‌شد؛ «یکی از نکات بسیار مهم جریان غرب‌گرایی مشروطه‌خواهان، رابطه آنان با مذهب و نگرششان نسبت به آن بود» (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۴۴). در این دوره، دسته‌ای از شاعران که میرزاده عشقی و عارف قزوینی را می‌توان از نمایندگان آن به حساب آورد، در ستیز با تفکرات دینی و مذهبی بی‌پروتر بودند و اصولاً اعتقاد چندانی به گفتمان دینی نداشتند. اما از آن سو ادیب‌الممالک فراهانی، اشرف‌الدین گیلانی و حتی کسانی چون بهار و فرخی، دیدگاه متعادل‌تر و انعطاف‌پذیری بیشتری در خصوص دین داشتند. جهان‌بینی میرزا قهرمان به گروه دوم شباهت بیشتری دارد؛ او اگرچه سخت به ایران باستان علاقه‌مند است و با زاهدان و واعظان دروغین در جدال، به حقیقت دین و کارسازی آن در بحران مدنیت پایبند و معتقد است. او شاعری معنویت‌گرا و دین‌مدار است، اما قرائت‌های انحرافی از دین را بر نمی‌تابد. بُعد انسانی دین برای او ارزش بسیاری دارد و از این‌روست که در بحبوحه جنگ جهانی و بی‌اخلاقی‌های مدرنیته، معنویت و کاربست ارزش‌های دینی را راهکاری برای مهار تهاجم و توحش افسارگسیخته مدنیت می‌داند:

آتش سوزانِ جنگِ بینِ ملل را
دامنه زن، طبعِ نابکارِ پلید است
از پی رفعِ تهاجماتِ طبیعت
دین به نفوسِ شریره، سدِّ سدید است
لفظ «تمدن» که شایع است در افواه
بی‌مددِ دین، درختِ بی‌برِ بید است
(پاک بین، ۱۳۸۴: ۲۳)

یا:

قضاوت گر کنم از روی انصاف
ز بی‌دینی جهان روزش سیاه است
برای انتظام امر دنیا
دیانت بهترین پشت و پناه است
(همان: ۴۷)

در بخش «حکمت»‌ها که گزین گویه‌های اوست نیز با همین اعتقاد مواجهیم: «اگر دیانت را از دنیا بردارند، تمدن به توخس مبدل خواهد شد و بشر اگر پایبند دیانت از روی عقیده و ایمان باشد، از جادهٔ انسانیت منحرف نخواهد شد» (همان: ۲۳). با این وصف، باید گفت نگاه قهرمان، نگاهی اعتدالی است که هوشمندانه دین‌ورزی و نوگرایی را جمع کرده است.^۵

۳-۷. ناسیونالیسم

با آغاز دورهٔ مشروطیت، «وطن» به‌عنوان مفهومی سیاسی، معنای تازه‌ای یافت؛ به تعبیری، «وطن بزرگ‌ترین مایهٔ الهام همهٔ شاعران این دوره است» (آجودانی، ۱۳۸۳: ۲۳۶). اشغال خاک وطن توسط بیگانگان، تسلط بر شریان‌های سیاسی و اقتصادی و دخالت آنان در سرنوشت مردم، باعث شد ایرانی بودن و میهن‌پرستی متفاوت‌تر از آنچه در ادب سده‌های پیش بود، مطرح شود. اگر چه وطن‌پرستی در آثار حماسی قرون اولیهٔ شعر و نثر فارسی بسامد بیشتری دارد، در قرون بعدی، تعالیم میهن‌پرستانه کمرنگ می‌شود. با ظهور نهضت بیداری، دوباره حس میهن‌پرستی در شاعران بیدار شد، تا جایی که «هم‌زمان با مشروطه و توجه شاعران به مضامین سیاسی و اجتماعی، توصیهٔ مخاطب به وطن‌دوستی، مبارزه با استبداد و استعمار پربسامدترین تعالیم شد» (کوشش و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲).

در شعر قهرمان نیز مشخصه‌های شعر وطنی دورهٔ مشروطه به‌تمامی وجود دارد. کمتر غزلی از او می‌توان یافت که نامی از وطن در آن نباشد. او همانند میرزاده عشقی (در

غزل معروفش با مطلع خاکم به سر ز غصه به سر خاک اگر کنم...، عشق به وطن و مرگ در راه وطن را افتخار می‌داند:

عمری ست که عشقت ای وطن! دین من است

جان در ره تو سپردن، آیین من است

در مکتب عشق، درس استقلالت

پیوسته اصول بحث و تمرین من است

(پاک بین، ۱۳۸۴: ۳۵۰)

یا:

عشقی که مقدس است، عشق وطن است

بی عشقِ وطن، سر ای پسر! بار تن است

مردی که نگشته است سرباز وطن

در کیش وطن پرست، کمتر زن است

(همان: ۳۵۰)

۳-۷-۱. باستان‌گرایی مؤلفه‌ای برای تحریک احساسات وطنی

باستان‌گرایی یا آرکائیسم یکی از ویژگی‌های شعر مشروطه است، به‌طوری که این خصیصه را به‌وضوح در اشعار میرزاده عشقی، عارف قزوینی، بهار و بسیاری دیگر می‌توان دید. در این دوره، «شاعران غالباً برای تهییج و تحریک خواننده، به شعر، نوعی چاشنی حماسی می‌زدند؛ نوعی فکر حماسی و ملی و فخر به گذشته و بیان افتخارات گذشته ایران که مایه غرور شاعر می‌شد» (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۳۱). بازتاب این تفکر در شعر قهرمان به دور از گرایش‌های افراطی شاعران همعصر او، با انگیزه خاصی بیان شده است؛ شاعر با دست‌مایه قرار دادن افتخارات ایران باستان به دنبال بیدار کردن جامعه از خواب غفلت است:

مگر این خانه ما خانه سامانی نیست؟

آخر ای مردم بی‌عاطفه غفلت تا کی؟

مگر این ملک همان کشور ساسانی نیست؟

از چه رو این همه اخلاق شما فاسد شد

(همان: ۵۴)

در شعر قهرمان، غالباً هر جا سخن از مفاخر ایران باستان به میان آمده، اشاره‌ای به نفوذ بیگانگان نیز شده است:

کاش که زرتشت شود زنده باز تا وطن خویش تماشا کند!
کشور ما جایگه کورش است حیف که بیگانه در او جا کند
(همان: ۱۸۶)^۶

۸-۳. توصیه به حمایت از رنجبر و مبارزه با نظام طبقاتی

اگرچه در ادبیات گذشته ایران، پیوسته از کار و کارگر با تعظیم و تکریم یاد شده است، حمایت و دفاع از این طبقه و تلاش برای احیای حقوق از دست‌رفته آنان به‌طور جدی در شعر شاعران دوره مشروطه نمود پیدا کرد. تا پیش از آن، غالب مشاغل بر پایه ساختاری سنتی بود اما بعد از آنکه تکان‌های انقلاب صنعتی به ایران رسید، نظام کار و صنعت متحول شود؛ «رواج روزافزون زندگی صنعتی و کارگری باعث شد طبقه کارگر که تا به حال در معادلات اجتماعی و حتی اقتصادی اهمیت چندانی نداشتند، جایگاه مناسب خود را در شعر مشروطه بیابند» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۷۲). قهرمان در خانواده‌ای کشاورز به دنیا آمده و سال‌ها در خدمت خوانین بود. آگاهی از نابرابری‌های تحمیل‌شده بر طبقه رنجبر باعث شد که همسو با کسانی چون لاهوتی و فرخی، شعر و اندیشه خود را در خدمت دفاع از حقوق کارگر به کار گیرد. اندیشه قهرمان در این اشعار در واقع تعلیم ستم‌ناپذیری و طغیانگری است:

محتشم تا ز غم کارگران دلشاد است حاصل خرمن دهقان ستم و بیداد است
تا محیط وطن اشراف پرستی دارد رنجبر خسته سرپنجه استبداد است
(همان: ۲۱)

یا:

کارگران نابغه عالمند مایه تقدیس بنی‌آدمند
گنج روان است تن رنجبر فخر بدین قوم سزاوارتر
(پاک بین، ۱۳۸۴: ۲۵۱)

به نظر می‌رسد قهرمان نیز همانند فرخی و لاهوتی که نمایندگان تفکرات سوسیالیستی در ایران بودند، تحت تأثیر اندیشه‌های کمونیستی و شعارهای حزب توده، روی به شعر کارگری آورده است؛ البته باید افزود که قهرمان در این زمینه راه افراط در پیش نگرفته؛ او هیچ‌گاه نظام اشتراکی را به‌عنوان راهی برای پیشرفت کشور در نظر نمی‌گیرد. با این حال وی نیز متأثر از انقلاب کارگری روسیه، تنها راه آزادی رنجبر و از بین بردن تضادهای طبقاتی را انقلاب می‌داند:

آزاد گشت عالمی و ما اسیر غم بیدار شد جهانی و ما در بلای خواب
تا رنجبر به جهل و عمی سیر می‌کند اشراف ما به مقصد خویشند کامیاب
از بهر درد مزمّن این محضر مریض داروی بئرساعه ندانم جز انقلاب
(همان: ۱۲)

و در جایی دیگر نیز طبقه کارگر را به مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری دعوت می‌کند:

برخیز تا ز برق چکش‌های کارگر آتش ز نیم خرمن سرمایه‌دار را
گو متظر شوید که دل‌های دردمند روزی رباید از کفتان اختیار را
(همان: ۴)^۷

۳-۹. توجه به جایگاه زنان در نظام تربیتی

جایگاه زن در ساختار سنتی جامعه ایرانی، موضوعی است کمابیش آشکار؛ در ادب کهن فارسی، زنان غالباً از منظر تغزلی نگریسته شده‌اند. در آثار غیر تغزلی نیز اغلب با نگاه مردسالارانه و با تبعیت از باورهای سنتی دآوری شده‌اند. در کتب تعلیمی و اخلاقی نظیر کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، گلستان و بوستان، مثنوی معنوی، سلامان و ایسال جامی و بسیاری از آثار ادبی دیگر، اساساً دیدگاه‌های نویسندگان آثار، مبتنی بر ادبیاتی آمرانه و توأم با بدبینی است. اما با ورود به عصر جدید با تغییرات بنیادین در تلقی از زنان مواجهیم؛ «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر تعلیمی عصر مشروطیت، اختصاص دادن شعرهایی است به مسئله تربیت دختران. در سراسر تاریخ شعر فارسی و شعر ملل اسلامی شاید حتی یک بیت نتوان یافت که مخاطب تربیتی آن دختران یا زنان باشند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). این رویکرد نوین باعث شد که علاوه بر زنان، بسیاری از

مردان نیز به لزوم تغییر دیدگاه‌ها و ایجاد نظام تربیتی متفاوت، پافشاری کنند. در این میان همانند بسیاری از موضوعات فرهنگی عصر مشروطه با دو یا سه گروه فکری مواجهیم: گروهی که بر سنت کهن و عرف ایرانِ قدیم پای بندند و حقوق چندانی برای زنان قائل نیستند؛ گروه دوم کسانی که با نگاهی افراطی، حقوق زنان را تنها در تمثّل و تشبّه به فرهنگ غربی و از آن میان کشف حجاب خلاصه می‌کنند و در نهایت گروهی که با ایستادن در جانب اعتدال، در کنار دفاع از حقوق زنان و اهمیت به تربیت دختران و زنان، از خودبیگانگی و خودباختگی زنان ایرانی را نمی‌پسندند. قهرمان در جانب اعتدال ایستاده است؛ او در کنار باورمندی به لزوم وقار و پاک‌دامنی زنان، برخی باورهای انحرافی را که آموزش و آموختن زنان را ناپسند می‌دانند، سرزنش می‌کند:

نشود مملکت آباد مگر از ره علم بسط تعلیم در این راه نخستین قدم است
در محیطی که زنان را ز بهائم خوانیم سنگ اگر بر سرمان بارد البته کم است
زن بد خلق کجا بچه خوشخو زاید؟ کاولین مدرسه طفل، کلاس رحیم است
(پاک بین، ۱۳۸۴: ۳۷)

مسئله حجاب نیز از موضوعات مهم اندیشه قهرمان است. در این دوره، عده‌ای تحت‌تأثیر فرهنگ غرب، حجاب زنان را در عقب‌ماندگی کشور دخیل می‌دانستند. موضع‌گیری قهرمان در این باره، به دیدگاه ملک‌الشعراى بهار شباهت بیشتری دارد؛ او بیشتر نگران افول اخلاق و از دست رفتن عفت و وقار زن ایرانی است، با این حال کشف حجاب را در تقابل با آن نمی‌داند. در قصیده‌ای با عنوان «ارزش زن» به‌طور اختصاصی به بحث آزادی و حجاب زن پرداخته و بر عفت و وقار زن ایرانی تأکید کرده است:

از راه عفاف رو مگردان آن کن که تو را بود سزاوار
بهر صفت از برای زنها شرم است و حیا و حسن رفتار
هر زن که در او حیا نباشد نی زن، که ددی است زشت کردار
(همان: ۱۹۲)

و در جایی در پاسخ به انتقادات بین نقاب و عفاف فرق نهاده است:

آن کاو حجاب را نکند از نقاب فرق گوید: فلان، مخالف حکم حجاب شد
بهر زنان نقاب حیا لازم است و بس نتوان دچار وسوسه و ارتیاب شد
(همان: ۸۴)

۳-۹-۱. توجه به جایگاه خانواده

قهرمان در موضوع مرتبط به زنان، شاعری نوگرا و در عین حال اخلاق گراست. اخلاق‌گرایی تنها نه به معنای اعتقاد به لزوم پاکدامنی زنان نیست، بلکه بدین معناست که او رعایت اصول اخلاق انسانی را از ارکان ثابت نظام خانواده می‌داند. از این منظر با دیدگاه سنتی شاعران پیشین که اخلاق خوش و به منشی را برای زنان توصیه می‌کند، هم‌عقیده است:

مرد که در خانه زنش یار اوست گر همه درویش بود پادشاست
(همان: ۳۱)

که تداعی‌کننده شعر معروف سعدی است:

زنِ خوبِ فرمان‌برِ پارسا کند مردِ درویش را پادشا
(سعدی، ۱۳۸۸: ۳۷۲)

در مثنوی، «ز هنجار زنان شوهرآزار» به زبان طنز سخت‌ترین مجازات‌ها را برای «هیتلر» انتخاب همسر بدخلق می‌داند (همان: ۲۶۶). از این سوی در دفاع از حقوق زنان و استحکام بنیان خانواده، به سنت ازدواج دختران کم‌سن با مردان کهنسال می‌تازد و مرگ را بر زندگی اینچنینی ترجیح می‌دهد:

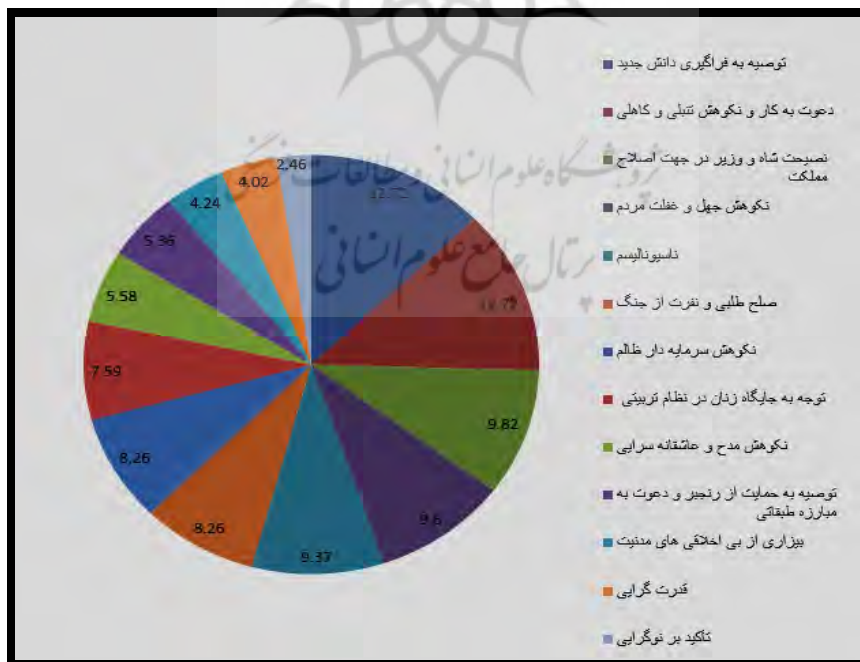
زن جوان که هماغوش مرد پیر شود ز عمر خویش به زودی ملول و سیر شود
زن جوان اگر افتد به گیر شیر زیان هزار مرتبه بهتر که پیرگیر شود
(همان: ۳۰۳)

بر این اساس باید گفت میرزا قهرمان، ضمن اعتقاد به فرهنگ ایرانی در پاسداشت حرمت زنان، نکات انحرافی و نادرست آن را یادآور شده و همسو با تغییرات فکری و فرهنگی در عصر جدید، تغییر دیدگاه درباره جنس زن و به‌خصوص لزوم توجه به تعلیم و تربیت زنان را در سروده‌های خود منعکس کرده است.^۸

جدول (۱): بسامد آراء تعلیمی مشروطه در دیوان قهرمان

| ردیف | مؤلفه تعلیمی | بسامد | درصد |
|------|---|-------|--------|
| ۱ | توصیه به فراگیری دانش جدید | ۵۷ | ۱۲/۷۲٪ |
| ۲ | دعوت به کار و نکوهش تنبلی و کاهلی | ۵۷ | ۱۲/۷۲٪ |
| ۳ | نصیحت شاه و وزیر برای اصلاح مملکت | ۴۴ | ۹/۸۲٪ |
| ۴ | نکوهش جهل و غفلت مردم | ۴۳ | ۹/۶۰٪ |
| ۵ | ناسیونالیسم | ۴۲ | ۹/۳۷٪ |
| ۶ | صلح طلبی و نفرت از جنگ | ۳۷ | ۸/۲۶٪ |
| ۷ | نکوهش سرمایه دار ظالم | ۳۷ | ۸/۲۶٪ |
| ۸ | توجه به جایگاه زنان در نظام تربیتی | ۳۴ | ۷/۵۹٪ |
| ۹ | نکوهش مدح و عاشقانه سرایی | ۲۵ | ۵/۵۸٪ |
| ۱۰ | توصیه به حمایت از رنجبر و دعوت به مبارزه طبقاتی | ۲۴ | ۵/۳۶٪ |
| ۱۱ | بیزاری از بی اخلاقی های مدنیت | ۱۹ | ۴/۲۴٪ |
| ۱۲ | قدرت گرایی | ۱۸ | ۴/۰۲٪ |
| ۱۳ | تأکید بر نوگرایی | ۱۱ | ۲/۴۶٪ |
| ۱۴ | تعداد کل | ۴۴۸ | ۱۰۰٪ |

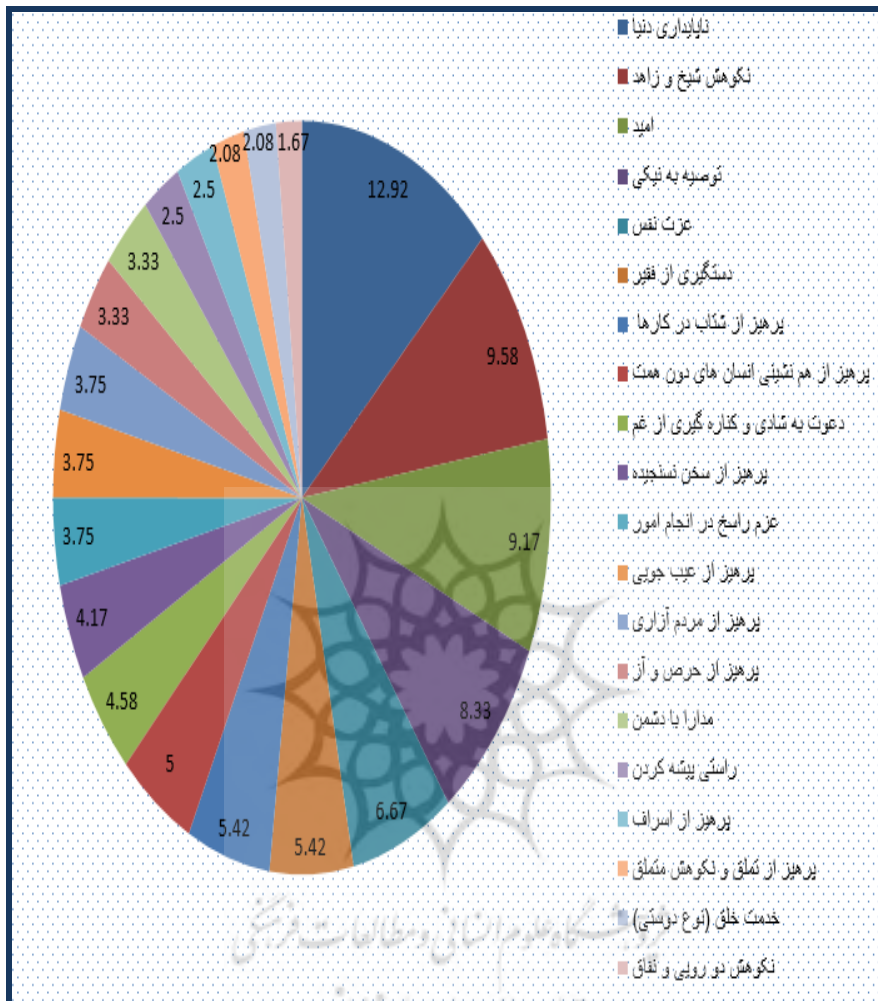
نمودار شماره ۱: درصد آراء تعلیمی مشروطه در دیوان قهرمان



جدول شماره ۲: بسامد تعالیم رایج در سده های پیشین در دیوان قهرمان

| ردیف | مؤلفه تعلیمی | بسامد | درصد |
|------|-------------------------------------|-------|--------|
| ۱ | ناپایداری دنیا | ۳۱ | ٪۱۲/۹۲ |
| ۲ | نکوهش شیخ و زاهد | ۲۳ | ٪۹/۵۸ |
| ۳ | امید | ۲۲ | ٪۹/۱۷ |
| ۴ | توصیه به نیکی | ۲۰ | ٪۸/۳۳ |
| ۵ | عزت نفس | ۱۶ | ٪۶/۶۷ |
| ۶ | دستگیری از فقیر | ۱۳ | ٪۵/۴۲ |
| ۷ | پرهیز از شتاب در کارها | ۱۳ | ٪۵/۴۲ |
| ۸ | پرهیز از هم نشینی انسان های دون همت | ۱۲ | ٪۵ |
| ۹ | دعوت به شادی و کناره گیری از غم | ۱۱ | ٪۴/۵۸ |
| ۱۰ | پرهیز از سخن نسنجیده | ۱۰ | ٪۴/۱۷ |
| ۱۱ | عزم راسخ در انجام امور | ۹ | ٪۳/۷۵ |
| ۱۲ | پرهیز از عیب جویی | ۹ | ٪۳/۷۵ |
| ۱۳ | پرهیز از مردم آزاری | ۹ | ٪۳/۷۵ |
| ۱۴ | پرهیز از حرص و آز | ۸ | ٪۳/۳۳ |
| ۱۵ | مدارا با دشمن | ۸ | ٪۳/۳۳ |
| ۱۶ | راستی پیشه کردن | ۶ | ٪۲/۵ |
| ۱۷ | پرهیز از اسراف | ۶ | ٪۲/۵ |
| ۱۸ | پرهیز از تملق و نکوهش متملق | ۵ | ٪۲/۰۸ |
| ۱۹ | خدمت خلق (نوع دوستی) | ۵ | ٪۲/۰۸ |
| ۲۰ | نکوهش دو رویی و نفاق | ۴ | ٪۱/۶۷ |
| ۲۱ | جمع کل | ۲۴۰ | ٪۱۰۰ |

نمودار شماره ۲: بسامد تعالیم رایج در سده های پیشین در دیوان قهرمان



۴. نتیجه گیری

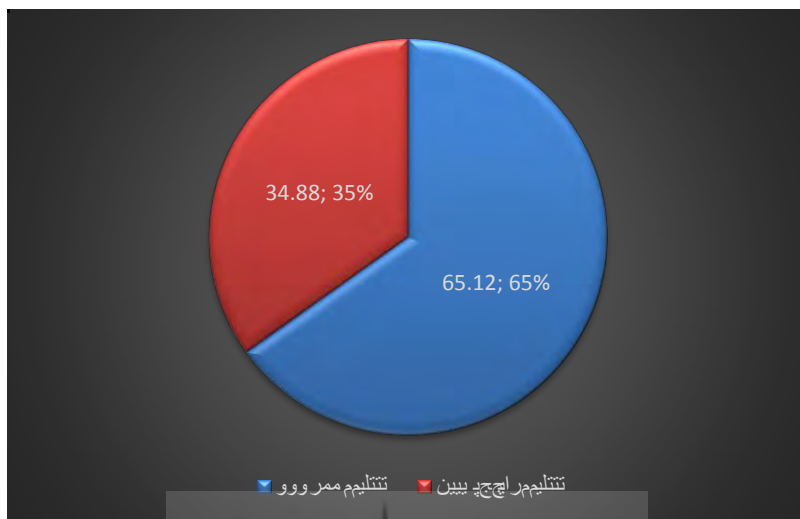
بررسی و تحلیل اشعار میرزا قهرمان پاک‌بین نشان می‌دهد که ادب تعلیمی بخش قابل توجهی از اندیشه او را شامل می‌شود. اندیشه‌های تربیتی میرزا قهرمان همسو با اندیشه‌های اغلب روشنفکران عصر مشروطه است و دست‌کم از نظر طرح موضوعات تربیتی، هم‌ردیف شاعران برجسته عصر مشروطه است. در این تحلیل مشخص شد که

آموزش دانش‌های نوین از نظر شاعر اهمیت بسیاری دارد. او تجددطلبی را راهکاری برای تربیت جامعه بر اساس مقیاس‌ها و میزان‌های جهانی می‌داند. مدح و ستایش حاکمان مستبد و تمرکز صرف بر تغزل را شیوهٔ مندرس دوران گذشته می‌داند و رسالت شاعر را در عصر جدید بیدار کردن جامعه در جهت تربیت فکری و اخلاقی تعریف می‌کند. قدرت را مایهٔ پیشرفت جامعه در شئون مختلف می‌داند. صلح را ترویج می‌کند و تهییج و تشویق به دوستداری میهن، از اصلی‌ترین موضوعات اشعار اوست. قهرمان روشفکری است که جانب دیانت را رها نساخته و با وجود میل به نوگرایی، بر حفظ هویت فرهنگی تأکید کرده، از خودبیگانگی را تقبیح می‌کند. ستایش رنجبران موضوعی است که در شعر او بسامد دارد و نشان می‌دهد می‌توان او را در کنار لاهوتی و فرخی، از نمایندگان شعر کارگری دانست. توجه او به تربیت دختران و زنان، از نقاط درخشان اندیشهٔ او در بحث تعلیم و تربیت است. تحلیل آماری اشعار تعلیمی قهرمان نمایانگر آن است که در بین تعالیم مشروطه، دو موضوع «توصیه به فراگیری دانش جدید» و «دعوت به کار و نکوهش کاهلی» با مقداری همسان، بیشترین بسامد را دارند. در بین آموزه‌های رایج در ادب تعلیمی کهن نیز «تأکید بر ناپایداری دنیا» بیشترین نمود را دارد. همچنین در یک برآورد کلی، آموزه‌های نوین برخاسته از فضای فکری مشروطه به‌طور تقریبی ۶۵ درصد اشعار تعلیمی قهرمان را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت اندیشهٔ قهرمان در مسائل مرتبط با تعلیم و تربیت، اندیشه‌ای پیشرو، هوشمند و مطالبه‌گر است.

جدول شماره ۳: نسبت فراوانی تعالیم مشروطه به تعالیم رایج پیشین در دیوان قهرمان

| ردیف | مؤلفه تعلیمی | بسامد | درصد |
|------|-------------------|-------|--------|
| ۱ | تعالیم مشروطه | ۴۴۸ | ٪۶۵/۱۲ |
| ۲ | تعالیم رایج پیشین | ۲۴۰ | ٪۳۴/۸۸ |
| ۳ | تعداد کل | ۶۸۸ | ٪۱۰۰ |

نمودار شماره ۳: نسبت فراوانی تعالیم مشروطه به تعالیم رایج پیشین در دیوان قهرمان



پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه‌های دیگر که شواهد آن‌ها ذکر نشده است در مبحث توصیه به فراگیری دانش جدید، نک: پاک‌بین، ۱۳: ۱۳۸۴، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۷۰، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۱۳، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۰۰، ۲۱۴، ۲۲۵، ۲۵۴، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۸۰، ۳۰۲ و ۳۴۳.
۲. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ نکوهش مدح و عاشقانه‌سرایی، نک: همان: ۵، ۶، ۸، ۶۴، ۶۷ و ۱۵۴.
۳. برای اطلاعات بیشتر در بحث صلح‌طلبی و نفرت از جنگ، نک: همان: ۱۴، ۱۶، ۳۴، ۴۴، ۱۸۰، ۱۸۲، ۲۷۳، ۲۸۶، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۲۴ و ۳۳۳.
۴. برای اطلاعات بیشتر در بحث قدرت‌گرایی، نک: همان: ۲۸، ۳۵، ۵۶، ۲۷۳، ۲۸۶ و ۳۲۳.
۵. برای نمونه‌های دیگر در بیزاری از بی‌اخلاقی‌های مدنیت، نک: همان: ۱۴، ۲۳، ۲۰۰ و ۲۰۷.
۶. برای اطلاعات بیشتر در مبحث ناسیونالیسم، نک: همان: ۹، ۱۲، ۱۶، ۲۱، ۳۸، ۴۲، ۵۳، ۵۶، ۸۳، ۸۵، ۹۲، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۸۶، ۱۹۸، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸ و ۳۵۸.
۷. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ حمایت از رنجبر و مبارزه با نظام طبقاتی، نک: همان: ۱۲، ۲۴، ۴۶، ۸۱، ۱۰۳، ۱۲۵، ۱۸۱ و ۲۹۲.
۸. برای اطلاعات بیشتر در زمینهٔ توجه به جایگاه زنان در نظام تربیتی، نک: همان: ۳۶، ۱۱۳، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۳ و ۳۱۵.

منابع

۱. آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۳)، *یا مرگ یا تجدد*، تهران: اختران.
۲. ایرج میرزا (۱۳۵۶)، *تحقیق در احوال، آثار، افکار و اشعار ایرج میرزا*، به اهتمام محمدجعفر محبوب، تهران: گلشن.
۳. بهار، محمدتقی (۱۳۸۲)، *دیوان اشعار*، تهران: آزاد مهر.
۴. پاک‌بین ملایری، میرزا قهرمان (۱۳۸۴)، *کلیات قهرمان*، تصحیح و تحقیق محمدحسین فروغی، تهران: کیان‌مهر.
۵. ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷)، *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، تهران: علم.
۶. حسینی کازرونی، احمد (۱۳۹۰)، «بررسی اندیشه‌های اخلاقی در شعر اجتماعی مشروطیت»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، دوره سوم، شماره ۱۱، ۲۹-۴۰.
۷. حیدری، رسول و امیری، سمانه (۱۳۹۵)، «معرفی و تحلیل آراء اجتماعی-سیاسی شاعر گمنام مشروطه، میرزا قهرمان پاک‌بین ملایری»، *مجموعه مقالات یازدهمین همایش ترویج زبان و ادب فارسی*، دانشگاه گیلان، ۱۰۹۴-۱۱۱۴.
۸. رحمانیان، داریوش (۱۳۸۹)، *تاریخ تفکر سیاسی در دولت قاجاریه*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۳)، *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*، تهران: نشر ثالث.
۱۰. زرین‌کوب، حمید (۱۳۵۸)، *چشم‌انداز شعر فارسی*، تهران: انتشارات توس.
۱۱. زیباکلام، صادق (۱۳۷۷)، *سنت و مدرنیته*، تهران: انتشارات روزانه.
۱۲. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۸)، *کلیات سعدی*، به اهتمام محسن پویان، قزوین: مهرگان دانش.
۱۳. شفیع‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، تهران: اختران.
۱۴. _____ (۱۳۹۰)، *با چراغ و آینه*، تهران: سخن.
۱۵. صفایی، ابراهیم (۱۳۵۸)، «آشنایی با استاد»، *مجله وحید*، شماره ۲۵۲ و ۲۵۳، ۱۰۱-۱۰۴.

۱۶. عشقی، میرزاده (۱۳۵۷)، کلیات مصور، تألیف و نگارش علی اکبر مشیر سلیمی. تهران: امیرکبیر.
۱۷. فرخی یزدی، محمد (۱۳۶۳)، دیوان اشعار، تصحیح حسن مکی، تهران: امیرکبیر.
۱۸. کوشش، رحیم و همکاران (۱۳۹۶)، «بررسی دگرگونی ادب تعلیمی در جریان‌های شعر معاصر در ارتباط با تحولات اجتماعی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال نهم، شماره ۳۴، ۷۸-۵۷.
۱۹. مختاری، محمد (۱۳۷۸)، انسان در شعر معاصر، تهران: انتشارات توس.
۲۰. مشرف، مریم (۱۳۸۹)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن.
۲۱. مصفا، مظاهر و سعادت، عباس (۱۳۹۲)، «تحلیل بسامدی علم و دانش در شعر شعرای برجسته دوره مشروطه»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره پنجم، شماره ۱۸، ۱-۲۲.
۲۲. میرعبادینی، حسن (۱۳۸۳)، صد سال داستان‌نویسی ایران، تهران: چشمه.
۲۳. نصرتی، عبدالله (۱۳۸۰)، «قهرمان پاک‌بین شاعر دردمند روستا»، فصلنامه فرهنگ همدان، شماره ۲۵، ۱۲-۶.
۲۴. نیچه، فردریش ویلهلم (۱۳۷۷)، اراده معطوف به قدرت، ترجمه محمدباقر هوشیار، تهران: نشر فرزانه روز.
۲۵. وحید دستگردی، محمدحسن (۱۳۰۷)، «میرزا قهرمان»، مجله ارمنان، سال نهم، شماره ۱، ۷۱-۷۰.
۲۶. _____ (۱۳۱۶)، «قهرمان آورزمانی»، مجله ارمنان، دوره هجدهم، شماره ۹ و ۱۰، ۶۷۴-۶۶۳.
۲۷. وزین‌پور، نادر (۱۳۷۴)، مدح داغ‌نگ بر سیمای ادب فارسی، تهران: انتشارات معین.
۲۸. هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۷۵)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار.
۲۹. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۷۰-۱۵۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی